

همه‌پرسی؛ حقیقت بین‌المللی برای واقعیت فلسطین

الهام شریفی جبلی *

چکیده

نظر به ناکامی دو راهکار نظامی و مذاکرات صلح برای بازگرداندن فلسطین به صاحبان اصلی آن و بحران انسانی کنونی در این سرزمین از رهگذر نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه ملت فلسطین توسط رژیم اشغالگر اسرائیل، ضرورت طرح راهکار دموکراتیک نظام جمهوری اسلامی ایران - برگزاری همه‌پرسی - به منظور نیل به هدف نهایی آزادیخواهان یعنی رهایی قدس شریف از اشغال رژیم غاصب اسرائیل و تشکیل کشور مستقل فلسطین، دو چندان می‌گردد. با توجه به ارتباط تنگاتنگ این راهکار با «حق تعیین سرنوشت» به عنوان ابزار اجرایی آن و «حق بازگشت» به عنوان مقدمه لازم برای دستیابی به حق تعیین سرنوشت، مسأله بررسی قابلیت استناد دو حق یاد شده به ملت فلسطین از منظر نظام حقوق بین‌الملل، حائز اهمیت

* کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی. (sharifi_161@yahoo.com)



است که این تلاش، در نهایت، به تحقق نتیجه مورد نظر یعنی اثبات حقانیت بین‌المللی ملت فلسطین در توسل به دو حق بازگشت و تعیین سرنوشت به منظور تشکیل کشور مستقل فلسطین از مسیر برگزاری همه‌پرسی و پایان دادن به هفت دهه اشغالگری و جنایات رژیم اسرائیل منجر می‌گردد.

واژگان کلیدی: فلسطین اشغالی، حقوق بین‌الملل، حق بازگشت، حق تعیین سرنوشت، همه‌پرسی، حقوق بشر، حقوق بشردوستانه.

مقدمه

استمرار وضعیت اشغالی فلسطین و افزایش آمار فاجعه‌بار تلفات انسانی و خسارات مادی از سال ۱۹۴۸ تا کنون، حکایت از عدم توفیق دو راهکار نظامی و مذاکرات صلح در رفع اختلافات تاریخی در این سرزمین دارد. از همین رو، ارائه راهکاری دموکراتیک برای احقاق حقوق حقه صاحبان اصلی فلسطین و آزادی نهایی آن، ضروری جلوه می‌نمود که این مهم، تحت عنوان «برگزاری همه‌پرسی در فلسطین»، نخستین بار از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال ۱۳۷۸ مطرح گردیده و تا کنون، به دفعات در جلسات با مقامات داخلی و دیدارهای دیپلماتیک، به عنوان موضع مسلم و خدشه‌ناپذیر نظام جمهوری اسلامی ایران نسبت به مساله فلسطین، مورد تأکید قرار گرفته است. این طرح مشتمل بر چهار مرحله است: ۱- بازگشت آوارگان فلسطینی به سرزمین آبا اجدادی خود؛ ۲- برگزاری همه‌پرسی با مشارکت صاحبان اصلی این سرزمین اعم از مسلمان، مسیحی و یهودی؛ ۳- تشکیل نظام سیاسی منتخب اکثریت مبتنی بر نتیجه همه‌پرسی؛ ۴- تعیین تکلیف نهایی ساکنان غیربومی فلسطین اشغالی توسط صاحبان اصلی آن. در سال ۲۰۰۸ نیز از رهگذر اظهارات ریاست جمهوری وقت در نشست سالانه مجمع عمومی، این راهکار به عنوان رویکرد قاطعانه ایران پیرامون چگونگی رفع بحران فلسطین، در سازمان ملل متحد به ثبت رسید. با این حال، تا کنون روند عملیاتی شدن این ایده، به دلیل عدم پیگیری‌های مستمر و فقدان طرح‌های مستند و مستدل بین‌المللی پیرامون آن، متوقف مانده است.



مبحث پیش رو، بر مبنای روش توصیفی - تحلیلی، زوایای بحران فلسطین و مؤلفه‌های اساسی پیرامون آن به ویژه حق بازگشت آوارگان و حق تعیین سرنوشت را به عنوان پیشرفته‌ترین راه‌حل‌های ممکن برای برون‌رفت از بن‌بست ۷۰ ساله در این سرزمین، مورد مذاقه و کنکاش قرار داده است. به این ترتیب، منطق حاکم بر پژوهش حاضر به این صورت است که ابتدا و به عنوان مقدمه لازم، به بررسی بحران انسانی فزاینده در این سرزمین از دو منظر حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی که تضمین‌کننده ضرورت طرح ایده همه‌پرسی جهت توقف این روند است، می‌پردازیم. در ادامه و به عنوان هدف اصلی پژوهش، حقانیت ملت فلسطین را در توسل به دو حق تعیین سرنوشت و حق بازگشت - به عنوان مقدمه اساسی در دستیابی به حق تعیین سرنوشت - با استناد به اسناد بین‌المللی مربوطه، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱ - بحران انسانی در فلسطین؛ برآیند نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه

بین‌المللی

حقوق بشر اساسی و خدشه‌ناپذیر مردم فلسطین در قطعنامه‌های متعددی از سوی مجمع عمومی مورد شناسایی قرار گرفته است؛ قطعنامه‌های ۲۵۳۵ (۱۹۶۹) و ۲۶۷۲ (۱۹۷۰) مسأله پناهندگان فلسطینی را نتیجه انکار حقوق اساسی این مردم بر طبق منشور و اعلامیه جهانی حقوق بشر دانسته و استقرار صلح پایدار در منطقه را مستلزم رعایت حقوق یاد شده عنوان کرده است. مصادیق این حقوق با عنایت به قطعنامه ۱۹۷۸ کمیسیون حقوق بشر، عبارت‌اند از استقلال ملی، تمامیت ارضی، وحدت ملی و حاکمیت بدون مداخله خارجی. افزون بر این حقوق که نقض آنها، نتیجه مستقیم اعمال مفاد اعلامیه بالفور و تشکیل دولت اسرائیل در ۱۹۴۸ است، حق بر غذا، مسکن، کار، بهداشت، درمان و آموزش، از دیگر مصادیق حقوق اولیه و اساسی این مردم به موجب اسناد حقوق بشری مربوطه است که مشاهده وضعیت فعلی آوارگان و ساکنان فلسطینی سرزمین‌های اشغالی به ویژه نوار غزه، نشان از نقض این حقوق به عنوان نتیجه غیرمستقیم اشغالگری و توسعه‌طلبی‌های رژیم غاصب اسرائیل دارد. حدود ۸۰ سازمان مردم‌نهاد فلسطینی، اوضاع انسانی باریکه غزه را به شکل بی‌سابقه‌ای





خطرناک توصیف کرده‌اند^۱ به طوری که در سال ۲۰۱۷ حدود ۷۰٪ از جمعیت این سرزمین، وابسته به کمک‌های بشردوستانه بودند.^۲ به گزارش دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل در مارس ۲۰۱۸، از زمان درگیری‌های سال ۲۰۱۴ در غزه، حدود ۲۲۰۰۰ نفر از ساکنان این منطقه، همچنان آواره و بی‌خانمان‌اند که عمدتاً به دلیل کمبود بودجه برای بازسازی، در شرایط نامطلوب و بلا تکلیفی به سر می‌برند.^۳ در همین راستا به گزارش مجمع نمایندگان شورای اروپا در سال ۲۰۱۵، این سرزمین از عرضه کم برق و فقدان آب آشامیدنی رنج می‌برد؛ تنها ۴۰٪ از جمعیت غزه و فقط هر سه روز و حدود ۵ تا ۸ ساعت به آب دسترسی دارند. بنا بر گزارش کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل در سال ۲۰۱۵، نظر به آسیب شدید آبراه‌های ساحلی و خسارات کلی محیط‌زیستی، غزه تا سال ۲۰۲۰ در معرض خطر نابودی قرار دارد. وضعیت وخیم بهداشت عمومی و سیستم آموزشی، از دیگر عوامل مؤثر بر ایجاد بحران انسانی در این سرزمین است؛ تخریب بیمارستان‌ها، فقدان دارو و تجهیزات پزشکی، سبب افزایش چشمگیر بیماری‌های مزمن و لاعلاج نظیر سرطان شده است. در وضعیت کنونی، حدود سه چهارم از جمعیت غزه نیازمند کمک‌های اضطراری هستند و صدها بیمار به دلایل یاد شده، جان خود را از دست داده‌اند.^۴ نرخ درآمد سرانه غزه، در زمره پایین‌ترین میزان درآمد سرانه در جهان است.^۵ میانگین فقر در غزه، نزدیک به ۸۰٪ بوده و نرخ بیکاری تا حدود ۵۰٪ افزایش یافته است که نیمی از این جمعیت، جوانان فارغ‌التحصیل هستند.^۶ همچنین، تونل‌های مرزی و مسیرهای اصلی عرضه و تجارت کالا در غزه، از سال ۲۰۰۷ توسط نیروهای نظامی مصر و اسرائیل تخریب (Jansson 2015)،^۷ و ۸۰٪ کارخانه‌ها به طور کلی یا جزئی در اثر محاصره یا حملات نظامی اسرائیل تعطیل شده‌اند.^۸

از سوی دیگر، افزون بر نقض مفاد پیمان اسلو از سوی اسرائیل پیرامون مرزبندی مناطق ماهیگیری، سازمان مردم‌نهاد المیزان، تشدید حملات اسرائیل و آزار و اذیت ماهیگیران فلسطینی از طریق تیراندازی، بازداشت‌های خودسرانه، اقدامات تحقیق‌آمیز و خشونت‌های فیزیکی را ثبت کرده است.^۹ این در حالی است که استفاده عامدانه و غیرموجه از نیروهای نظامی علیه شهروندان فلسطینی از جمله ماهیگیران، کشاورزان، روزنامه‌نگاران و کارکنان بخش‌های درمانی، در تعارض جدی با اصول حقوق بشر و استانداردهای لازم‌الاجرای مندرج

در سند اصول اساسی استفاده از زور و اسلحه برای مقامات انتظامی^{۱۰} قرار دارد. همچنین علی‌رغم عضویت رژیم اشغالگر اسرائیل در کنوانسیون چهارم ژنو^{۱۱}، تعهدات مندرج در این کنوانسیون، طی اقدامات متعددی از جمله شکنجه برنامه‌ریزی شده بازداشت‌شدگان^{۱۲}، مجازات دسته‌جمعی^{۱۳}، محاصره طولانی مدت^{۱۴}، ضبط و مصادره زمین‌های فلسطینیان و اسکان بی‌رویه مهاجران در سرزمین‌های اشغالی^{۱۵}، بازداشت‌های دسته‌جمعی، توقیف و حبس ساکنان این سرزمین‌ها^{۱۶}، بازداشت‌های طولانی مدت هزاران فلسطینی^{۱۷}، توقیف دارایی‌ها و منابع طبیعی^{۱۸}، انتقال، بیرون راندن، تخلیه و اخراج ساکنان و انکار حقوق آوارگان و پناهندگان^{۱۹} و حملات نظامی کورکورانه به مردم فلسطین بدون رعایت اصل تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان^{۲۰}، از جانب این رژیم نقض گردیده است.^{۲۱}

در این میان به گزارش مجمع نمایندگان شورای اروپا، وضعیت آوارگان داخلی، زنان، کودکان و معلولان، از جمله مسائل ویژه بشردوستانه در شرایط کنونی فلسطین است. ایشان به عنوان آسیب‌پذیرترین گروه‌ها در غزه، نیازمند حمایت ویژه جامعه بین‌المللی و احترام به حقوق‌شان در دریافت کمک‌های بشردوستانه هستند، در حالی که عموم آنها، محروم از این کمک‌ها و قربانی نقض فاحش اصل کرامت انسانی می‌شوند. (Jansson, 2015: 12- (13)

از سوی دیگر، علی‌رغم ممنوعیت توسل به زور، جامعه بین‌المللی به وضع قواعد و اصول حاکم بر زمان وقوع جنگ پرداخته است. به موجب کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه، حقوق و وظایف طرفین متخاصم و محدودیت‌های حاکم بر شیوه‌های عملیاتی علیه یکدیگر، پیش‌بینی شده است. به تعبیر ماده ۵۵ این سند، پذیرش حاکمیت دولت اشغالگر بر اموال و ساختمان‌های دولتی، مستلزم پذیرش آن دولت به عنوان دولت جدیدی است که حق استفاده از دارایی‌های دیگری را داشته باشد. همچنین دولت اشغالگر مکلف به حفظ سرمایه ملی و استفاده از آنها مطابق با قواعد حاکم بر حق استفاده از دارایی‌های دیگری و همچنین احترام به آزادی‌های فردی و حقوق بشر است؛ حال آنکه شواهد موجود پیرامون تجاوزگری‌های رژیم اسرائیل در تخریب این سرزمین با هدف نهایی انتقال مالکیت به یهودیان مهاجر، بیانگر عدم رعایت این اصول از سوی اسرائیل است، البته صرف‌نظر از اینکه شناسایی اسرائیل به عنوان دولت، از منظر نظام جمهوری اسلامی ایران، اساساً نامشروع است و در تعارض آشکار با اصول و قواعد



حاکم بر حقوق بین‌الملل قرار دارد.

۲ - حق بازگشت آوارگان فلسطینی؛ مقدمه لازم برای دستیابی به حق تعیین

سرنوشت

سرآغاز پیدایش مساله آوارگان و پناهندگان فلسطینی و طرح حق بازگشت آنان به عنوان یک حق شناسایی شده در اسناد حقوق بشری مربوطه و نیز به عنوان مقدمه لازم برای دستیابی به حق تعیین سرنوشت، به وقوع جنگ ۱۹۴۸ میان مبارزان فلسطینی و اشغالگران اسرائیلی در پی اعلام رسمی تشکیل رژیم اسرائیل، بازمی‌گردد.^{۲۲} از اولین اسناد بین‌المللی خاص مؤید حق بازگشت فلسطینیان، قطعنامه ۱۹۴ مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۹۴۸ است که پس از بررسی گزارش کنت برنات^{۲۳} میانجی‌گر سازمان ملل در مساله فلسطین صادر گردید؛ در این گزارش به اعمالی نظیر «عملیات غارت، چپاول و دزدی و یغمای محصولات آن سرزمین» و به ویژه «ویران‌سازی روستاها بی‌هیچ توجیه نظامی» اشاره و از همین رو، مسئولیت اسرائیل در بازگرداندن املاک و دارایی‌های خصوصی به مالکین عرب آنها و جبران زیانهای وارده بر دارایی‌های آنها، امری مسلم و بدیهی تلقی شد. همچنین به تضمین حق بازگشت آوارگان و پناهندگان فلسطینی به خانه‌های خود تأکید گردید به طوری که به تعبیر برنات، امتناع اسرائیل از اعطای حق بازگشت به این گروه از افراد، «ضربه خطرناکی به اصول مسلم انصاف و عدالت» به شمار می‌آید. (باباچی شمیلیه ژاندره؛ دولا پرادل، ۱۳۸۲: ۸۶-۸۷) در بند یازدهم قطعنامه ۱۹۴ می‌بینیم که مجمع عمومی به لزوم اعطای اجازه بازگشت در نزدیک‌ترین زمان ممکن به پناهندگانی که مایل به بازگشت به دیار خود و زندگی مسالمت‌آمیز با همسایگان‌شان هستند، اذعان کرده و در ادامه به لزوم جبران خسارت طبق اصول حقوق بین‌الملل و انصاف از سوی دولت‌ها یا مقامات مسئول به کسانی که قصد بازگشت نداشته و همچنین مفقودین و زیندیدگان، اشاره کرده است. اهمیت این قطعنامه تا آنجاست که مجمع تا چندین سال پس از تصویب آن نیز، با تصویب قطعنامه‌های پی‌درپی، ضمن یادآوری قطعنامه ۱۹۴، از عدم اجرای مفاد بند یازدهم آن یعنی حق بازگشت فلسطینیان و جبران خسارت، اظهار تأسف می‌نمود.



اکنون اشاره اجمالی به موضع رژیم اسرائیل پیرامون التزام خود به اعمال حق بازگشت مندرج در میثاق حقوق مدنی و سیاسی به عنوان یکی از طرف‌های این سند بین‌المللی، ضروری جلوه می‌نماید. از مهم‌ترین بهانه‌های اسرائیل برای توجیه عدم التزام خود به تعهدات مندرج در این سند، توسل به اصل عدم عطف به ما سبق شدن در اجرای معاهدات و استناد به مسبوق بودن اخراج و آوارگی فلسطینیها بر تاریخ تصویب میثاق یعنی سال ۱۹۹۱ است در حالی که موضع برخی نهادهای بین‌المللی، حکایت از عدم اطلاق این اصل دارد. کمیسیون اروپایی حقوق بشر با تفکیک تجاوز به دو دسته «موردی» و «مستمر»، دسته اخیر را از استثنائات اصل عطف به ما سبق نشدن اجرای معاهدات دانسته است. به این ترتیب، نظر به اینکه تجاوزگری و توسعه‌طلبی‌های رژیم اسرائیل و نتیجه حاصل از آن یعنی آوارگی حدود شش میلیون فلسطینی از ۱۹۴۸ تاکنون، از نوع تجاوزات «استمرار یافته» است، امتناع اسرائیل از التزام به مفاد میثاق پیرامون اعطای حق بازگشت به آوارگان فلسطینی، نقض تعهد و برخلاف اراده و خواست نهادهای حقوق بشری پیگیر در این قضیه محسوب می‌شود.

(باباچی؛ شمیلیه ژاندرو؛ دولا پرادل، ۱۳۸۲: ۸۶-۷۳) ۲۴

نکته حائز اهمیت در چارچوب پژوهش حاضر، پیوند عمیق میان حق بازگشت با حق تعیین سرنوشت است که این امر، در چندین قطعنامه مصوب مجمع عمومی، به رسمیت شناخته شده است: در قطعنامه ۲۵۳۵ ب (۱۹۶۹) ضمن اشاره به قطعنامه ۱۸۱ که بیانگر وجود ملت فلسطین و حق آنها در تأسیس دولت جدید است، به تلفیق حق بازگشت و حق تعیین سرنوشت، اشاره شده و چنین آمده است که «مسأله پناهندگان عرب فلسطینی، ناشی از انکار حقوقی است که در منشور و اعلامیه جهانی حقوق بشر برای آنها در نظر گرفته شده است.» در فرازی از قطعنامه ۳۰۸۹ د (۱۹۷۳) نیز آمده است: برقراری صلح عادلانه و پایدار در خاورمیانه، مستلزم احترام کامل و تحقق حقوق غیر قابل انکار مردم فلسطین به ویژه حق آنها در تعیین سرنوشت است و بهره‌مندی پناهندگان عرب فلسطینی از حق بازگشت به خانه‌های خود که در قطعنامه ۱۹۴ مجمع عمومی به رسمیت شناخته شد و پس از آن نیز چندین مرتبه مورد تأکید مجمع قرار داشت، برای نیل به حل و فصل منصفانه مشکل پناهندگان و اعمال حق تعیین سرنوشت آنان، امری اجتناب‌ناپذیر است. ۲۵





به این ترتیب آشکار شد که حق بازگشت فلسطینیان، حقی خدشه‌ناپذیر، غیر قابل انکار و غیر قابل دخل و تصرف است که به موجب قطعنامه‌های مصوب مجمع عمومی، پیوند عمیق با حق تعیین سرنوشت دارد. صلاحیت تصمیم‌گیری نسبت به این حق که به تعبیر وزیر فرهنگ فلسطین در غزه، از اصول اساسی و آرمان‌های ملت فلسطین محسوب می‌شود، تنها متعلق به فلسطینیان ساکن در داخل و خارج فلسطین است لذا قابلیت واگذاری به دیگران را ندارد.^{۲۶} به این ترتیب، مسئولیت رژیم اسرائیل در محروم ساختن فلسطینیان از حق بازگشت و استمرار اقدامات سرکوبگرانه علیه آنان، مسلم و غیر قابل انکار است.

آخرین تحول در راستای تلاش فلسطینیان جهت احقاق حق بازگشت خویش، به راهپیمایی ۳۰ مارس ۲۰۱۸ به مناسبت چهل و دومین سالگرد «روز زمین»^{۲۷} بازمی‌گردد که به دنبال آن، تا کنون ۱۴۰ نفر شهید و بیش از ۱۶۰۰۰ نفر زخمی شده‌اند.^{۲۸} به تعبیر سخنگوی جنبش حماس، هدف از این راهپیمایی «تحمیل معادله جدید بر مسیر منازعه فلسطینی - صهیونیستی به منظور سوق دادن مسأله فلسطین و حق بازگشت به مراحل پیشرفته‌تر است که امکان تصویب طرح‌های جدید با هدف ضربه زدن به حقوق ملت فلسطین وجود نداشته باشد و جلوی تمام طرح‌ها و پروژه‌های دشمن گرفته شود.»^{۲۹} در این میان، واکنش نهادهای بین‌المللی حائز اهمیت است؛ دبیر کل سازمان ملل با ابراز نگرانی عمیق از آمار تلفات و درگیری‌های رخ داده، خواهان انجام تحقیقات مستقل و شفاف در این زمینه شده است.^{۳۰} سخنگوی دبیر کل، ضمن درخواست از اسرائیل جهت تسهیل تظاهرات مسالمت‌آمیز فلسطینیان، این رژیم را به عدم استفاده بیش از حد از زور و خشونت فراخواند.^{۳۱} رئیس آژانس حمایت از محیط زیست سازمان ملل نیز بدون محکومیت این رژیم در جنایات روی داده در راهپیمایی حق‌بازگشت، نسبت به خطرات زیست‌محیطی ناشی از آتش زدن لاستیک‌ها به عنوان جدیدترین ابتکار فلسطینیان در دفاع از خود و احقاق حقوق مشروع‌شان، ابراز نگرانی و توقف این اقدامات را درخواست کرده است. تازه‌ترین واکنش شورای امنیت پیرامون جنایات رژیم اسرائیل در غزه، اقدام این نهاد به انتشار بیانیه مطبوعاتی درباره غزه به پیشنهاد نماینده کویت مبنی بر تشکیل کمیته‌ای مستقل جهت تحقیق پیرامون کشتار مردم این سرزمین در راهپیمایی مسالمت‌آمیز حق‌بازگشت است که با مخالفت آمریکا در برابر موافقت ۱۴ عضو

شورای امنیت، بی‌نتیجه ماند. این امر، واکنش وزارت خارجه فلسطین را مبنی بر ضرورت مقابله جامعه جهانی با حق وتوی آمریکا در شورای امنیت به منظور جلوگیری از ناکارآمد شدن این نهاد و تبدیل آن به ابزاری در خدمت حمایت‌های نامشروع این دولت از رژیم اسرائیل برانگیخت.^{۳۲}

۳ - حق تعیین سرنوشت در سرزمین‌های اشغالی؛ بررسی موردی فلسطین

نظر به سیر تحولات مفهومی تعیین سرنوشت، این مفهوم در ابتدا به عنوان یک «اصل کلی» و سپس، با تحرکات مجمع عمومی در صدور قطعنامه‌های مقتضی، به عنوان یک «قاعده عام‌الشمول»، یک «اصل بنیادین» در حقوق بین‌الملل معاصر و یک «حق خدشه‌ناپذیر» برای مردمان مستعمرات و سرزمینهای تحت سلطه و اشغال بیگانگان^{۳۳} مورد شناسایی قرار گرفت. بدون تردید در عصر حاضر، مسأله فلسطین به عنوان شاخص‌ترین نمونه یک سرزمین اشغالی که حق تعیین سرنوشت صاحبان اصلی آن، مورد انکار اشغالگران و حامیان آنان قرار گرفته، از جمله دغدغه‌های اصلی آزادیخواهان و عدالت‌طلبان در عرصه جهانی است. در مسیر بررسی مشروعیت بین‌المللی استناد ملت فلسطین به حق تعیین سرنوشت، «شناسایی» مردم فلسطین، یک ضرورت اولیه و اساسی است؛ یعنی در ابتدا لازم است که این مردم به عنوان یک گروه جمعی - ملت - به انقیاد درآمده که دارای خصوصیات مشترک زبانی، نژادی، مذهبی و فرهنگی هستند، معرفی و به رسمیت شناخته شوند که در ادامه و به عنوان مقدمه لازم، به بررسی آن می‌پردازیم و در ادامه، عدم مشروعیت اسرائیل را از رهگذر مسبوق بودن اقدامات این رژیم به توسل به زور علی‌رغم ممنوعیت فتح و غلبه برای کسب سرزمین در حقوق بین‌الملل، مورد کنکاش قرار می‌دهیم.

۳ - ۱ - شناسایی ملت فلسطین؛ عنصر لازم برای مشروعیت استناد این ملت به حق تعیین سرنوشت

مجمع عمومی در قالب چندین قطعنامه، به شناسایی ملت فلسطین و سپس تأکید بر حق تعیین سرنوشت این مردم پرداخته است؛ (Collins^{1980: 149}) در قطعنامه^{۳۴} ۲۵۳۵ ضمن ابراز





تأسف نسبت به عدم توانایی کمیسیون تلفیق سازمان ملل در اجرای بند ۱۱ قطعنامه ۱۹۴ مبنی بر بازگشت آوارگان فلسطینی به سرزمین خویش، یادآوری می‌شود که مسأله فلسطین، ناشی از نادیده انگاشتن حقوق غیر قابل انکار فلسطینی‌ها به موجب منشور و اعلامیه جهانی حقوق بشر است. مجمع با ابراز نگرانی نسبت به تضییع حقوق آوارگان فلسطینی در نتیجه‌ی اقدامات گزارش‌شده‌ی نظیر تنبیه دسته‌جمعی، بازداشت‌های خودسرانه، تخریب خانه‌ها و اموال، اخراج و سایر اقدامات سرکوبگر علیه پناهندگان و دیگر ساکنان سرزمین‌های اشغالی، به یادآوری قطعنامه‌های ۲۳۷ (۱۹۶۸)، ۲۲۵۲ (۱۹۶۷) و ۲۴۵۲ (۱۹۶۸) مبنی بر خواست مجمع عمومی از اسرائیل پیرامون اتخاذ اقدامات فوری و مؤثر در جهت بازگرداندن به موقع آوارگان به سرزمین‌شان می‌پردازد. در ادامه، ابتدا به حقوق غیر قابل انکار مردم فلسطین تأکید می‌شود سپس توجه شورای امنیت به وضعیت وخیمی که در نتیجه‌ی عدم اجرای قطعنامه‌های مجمع و سیاست‌های اسرائیل در این سرزمین پیش‌آمده است، جلب می‌گردد. در آخر، مجمع عمومی از شورا می‌خواهد که مطابق با مفاد منشور، اقدامات مؤثری را در جهت اجرای این قطعنامه‌ها اتخاذ نماید.

مجمع عمومی در قطعنامه ۲۶۴۹^{۳۵} نیز با تأکید بر اهمیت درک جهانی حق تعیین سرنوشت مردم و اعطای سریع استقلال به سرزمین‌های اشغالی جهت تضمین مؤثر رعایت حقوق بشر و نیز ابراز نگرانی مبنی بر امکان انکار حق تعیین سرنوشت مردم در سرزمین‌های اشغالی، پس از یادآوری قطعنامه ۲۵۸۸ (۱۹۶۹)، قطعنامه مصوب کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر تهران (۱۹۶۸) و قطعنامه ۱۵۱۴ (۱۹۶۰)، به مشروعیت حق تعیین سرنوشت مردمان سرزمین‌های اشغالی و تحت سلطه بیگانه، تأکید می‌کند و حق این مردمان در تعیین سرنوشت را به رسمیت می‌شناسد. مجمع در ادامه از همه دولت‌ها می‌خواهد که این حق را شناسایی و مطابق با مفاد اسناد بین‌المللی مربوطه و منشور ملل متحد، رعایت نمایند. همچنین مقرر می‌دارد که کسب سرزمین در فرض تعارض با حق تعیین سرنوشت مردم، غیر قابل قبول و نقض آشکار منشور است. در آخر نیز دولت‌هایی را که به انکار حق تعیین سرنوشت مردم به ویژه در آفریقای جنوبی و فلسطین می‌پردازند، محکوم کرده است.^{۳۶}

برخی از صاحب‌نظران نیز در اثبات هویت فلسطینی و حضور با سابقه‌تر این ملت در

فلسطین نسبت به ادعاهای افسانه‌ای صهیونیسم چنین آورده‌اند که وجود این ملت، مسبوق به توافقنامه مرحله‌ای امضاء شده میان نمایندگان فلسطین و اسرائیل و یا قطعنامه‌های سازمان ملل پس از ۱۹۷۵ است. همچنین میثاق جامعه ملل، نه در مقام «ایجاد» بلکه در حکم «شناسایی» و یا حتی اعتراف به وجود باسابقه این ملت است، چنانچه قطعنامه تقسیم نیز از انتقال «سرزمین تابع سرپرستی بریتانیا» به وضعیت «کشور» سخن گفته است. (به نقل از: باباچی؛ شمیله ژاندرو؛ دولا پرادل، ۱۳۸۲: ۲۱) ^{۳۷}

این در حالی است که تا کنون عوامل متعددی در اثبات فقدان هویت فلسطینی، آگاهی ملی و در نهایت، عدم شایستگی مردم فلسطین در استناد به حق تعیین سرنوشت، نقش داشته‌اند که از بارزترین آنها، «برنامه جدایی» ^{۳۸} سازمان ملل در ۱۹۴۹ مبنی بر عدم صلاحیت فلسطینیان در نمایندگی و اقدام به عنوان «مردم» است.

از دیگر عوامل مؤثر در راستای اثبات فقدان هویت فلسطینی، مسأله مهاجرت دسته‌جمعی فلسطینیان پس از اعلام موجودیت اسرائیل و طرح دکترین Extinctive Prescription است؛ به موجب این دکترین، ادعای موجود نسبت به یک سرزمین در فرض عدم پیشرفت در یک محدوده زمانی مشخص، از بین خواهد رفت و در مقابل، حاکمیت مسالمت‌آمیز و مستمر ^{۳۹} خارجی، جایگزین آن خواهد شد. در مسأله فلسطین، این ادعا مطرح شد که فلسطینیان با شکست در اعمال حق تعیین سرنوشت خود در ۱۹۴۸ و اعلام موجودیت اسرائیل، عنوان قانونی خود را نسبت به این سرزمین از دست داده و آن را ترک کردند لذا نمی‌توانند ادعای حاکمیتی نسبت به فلسطین در مقابل اسرائیل داشته باشند

. پیرامون مسأله مهاجرت دسته‌جمعی فلسطینیان باید گفت که این امر در میان دو ادعای «اخراج» ^{۴۰} یا «انتخاب آزاد» ^{۴۱} طرح شده است؛ یعنی آیا با اراده آزاد اقدام به مهاجرت کرده‌اند یا تحت فشار اقدامات خرابکارانه و خشونت‌آمیز اسرائیل در جهت تثبیت موقعیت خود و تلاش برای کسب سرزمین و ایجاد دولت، مجبور به ترک سرزمین یا به تعبیر دقیق‌تر، از سرزمین خود اخراج شدند؟ شواهد و مستندات بسیاری پیرامون اخراج و آواره ساختن مردمان این سرزمین در نتیجه‌ی توسعه‌طلبی‌های نیروهای اسرائیلی در قالب شهرک‌سازی وجود دارد که در این مورد، بدون تردید هیچ‌گونه ادعایی از سوی اسرائیل مبنی بر اعراض فلسطینیان از



مالکیت زمین‌های خود و حاکمیت بر سرزمین فلسطین، موجه نبوده و قابلیت طرح ندارد. اما آنچه ادعای اعراض فلسطینیان از حاکمیت بر سرزمین خویش را تقویت کرده است، مساله مهاجرت‌های صورت گرفته از سوی بخشی از این مردم است؛ برای نمونه، در ۹ آوریل ۱۹۴۸، گروهی از نیروهای اسرائیلی^{۴۲} وارد دیر یاسین^{۴۳} فلسطین شده و ۲۵۴ نفر از مردم این شهر را قتل عام کردند که در نتیجه این اقدام، هزاران نفر از مردم به دلیل ترس و ناامیدی از ادامه زندگی در چنین وضعیتی، به ترک این سرزمین پرداختند.^{۴۴} به گزارش مجمع اسرائیلی حقوق انسانی و مدنی، از سال ۱۹۴۹ حدود ۳۸۵ دهکده از ۵۰۰ دهکده عرب‌نشین در این سرزمین تخریب شد که این روند در دهه ۱۹۵۰ نیز استمرار یافت و به این ترتیب، فلسطینیان همچنان از اعمال حق بازگشت به سرزمین اصلی خود به دلیل تجاوزات اسرائیل منع می‌شدند. (به نقل از امین‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۱۴)^{۴۵}

بدیهی است که خروج از سرزمین تحت چنین شرایطی، نمی‌تواند ملاک مؤثری برای اثبات عدم حقانیت ادعای حاکمیتی فلسطینیان بر این سرزمین تلقی گردد؛ زیرا چنین مهاجرتی، نتیجه اقدامات متجاوزانه رژیم اسرائیل و نیز ممانعت این رژیم از اعمال حق بازگشت آوارگان بوده است؛ چنانچه اسرائیل با صدور آیین‌نامه‌های ۱۹۴۸ و ممانعت از عبور و مرور فلسطینیان به مناطق مسکونی و زمین‌های کشاورزی متعلق به آنان، به انتقال مالکیت بسیاری از اراضی این مردم به یهودیان مهاجر پرداخت.^{۴۶} همچنین یهودیان مهاجر به فلسطین، با اقدام به خرید زمینهای ساکنان این سرزمین در راستای تحقق هدف عالی خود یعنی ایجاد میهن ملی یهود، چاره‌ای جز مهاجرت از فلسطین را برای این ملت باقی نمی‌گذاشتند. با این اوصاف، چطور می‌توان مهاجرت فلسطینیان را در حکم اعراض از حاکمیت بر سرزمین خویش و اثبات حاکمیت یهود بر این سرزمین، تلقی کرد، در حالی که از اعمال حق اساسی خود در بازگشت به خانه و کاشانه خویش نیز محروم بودند؟

افزون بر آنچه گذشت، مسأله انتقال حاکمیت در نتیجه‌ی مالکیت بر زمین نیز قابل تأمل است؛ یعنی آیا با خرید زمین، می‌توان مدعی حاکمیت بر آن نیز بود؟ اگرچه این موضوع از جمله مسائل اختلافی در حقوق بین‌الملل است اما به نظر می‌رسد که اقدام به خرید زمین و کسب مالکیت، نمی‌تواند مقدمه‌ای برای انتقال حاکمیت در مفهومی که مدنظر حقوق



بین‌الملل است، محسوب گردد. لذا تحقق چنین امری در دوره معاصر، فاقد وجاهت بین‌المللی است؛ هرچند که این امر در گذشته، مشروعیت داشته و مخالفتی با آن صورت نمی‌گرفت. از سوی دیگر، به موجب دکترین یاد شده^{۴۷}، حاکمیت مؤثر خارجی^{۴۸}، باید مسالمت‌آمیز و مستمر باشد تا در فرض عدم پیشرفت حاکمیت موجود در محدوده زمانی مشخص، بتواند از حاکمیت مشروعی جهت تشکیل دولت جدید، برخوردار گردد؛ حال آنکه شواهد و مستندات فراوانی مبنی بر قتل‌عام و غارتگری‌های رژیم اسرائیل وجود دارد که نه تنها هر گونه فرضیه اعمال حاکمیت مسالمت‌آمیز بر این سرزمین را منتفی می‌کند بلکه اثبات‌کننده اقدام این رژیم در توسل به زور و غلبه در این سرزمین است که این امر، مشروعیت حاکمیت این رژیم و دولت تشکیل شده از این مسیر را، از منظر نظام بین‌الملل خدشه دار می‌سازد.

۳ - ۲ - عدم مشروعیت تشکیل دولت جدید از رهگذر فتح و غلبه در پرتو نظام

حقوق بین‌الملل

به تصریح مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۹۷۰، یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل این است که تمسک اراضی با توسل به زور، غیر قانونی است و نباید مورد شناسایی قرار بگیرد.^{۴۹} علاوه بر تصریحات مجمع، از میان اسناد بین‌المللی مربوطه، می‌توان به مواد ۱ و ۴(۲) منشور، ماده ۲۰ منشور بوگوتا (۱۹۴۸)، اعلامیه عدم پذیرش مداخله در بند ۷^{۵۰}، ماده ۲۰ منشور بوینس‌آیرس (۱۹۶۷)، اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل در زمینه روابط دوستانه و همکاری میان کشورها (۱۹۷۰) و قطعنامه سازمان ملل پیرامون تعریف تجاوز در ماده ۳^{۵۱} اشاره کرد که ناظر بر مسأله ممنوعیت توسل به زور و منع تجاوز و اشغالگری هستند. به این ترتیب، تشکیل دولت جدید در صورتی از مشروعیت بین‌المللی برخوردار است و شناسایی آن ممنوعیت نخواهد داشت که مسبوق به نقض قواعد حقوق بین‌الملل از جمله ممنوعیت توسل به زور نباشد؛ چراکه در فرض شناسایی، گویا نقض قواعد بین‌المللی نیز به رسمیت شناخته شده است.

بدون تردید از بارزترین مصادیق دوره معاصر در ممنوعیت فتح و غلبه و عدم مشروعیت دولت جدیدی که تشکیل آن، نتیجه‌توسل به زور بوده است، حضور غاصبانه رژیم اسرائیل در



سرزمین فلسطین و تلاش برای تغییر بافت جمعیتی در این سرزمین و مشروعیت بخشیدن به اقدامات تجاوزکارانه خود جهت تشکیل دولت جدید است؛ چنانچه یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات اخیر در عرصه روابط بین‌المللی نیز، مسأله شناسایی رژیم اشغالگر اسرائیل به عنوان یک دولت است. این در حالی است که شواهد موجود پیرامون تجاوزگری‌ها و نسل‌کشی‌های صورت گرفته از جانب این رژیم در سرزمین فلسطین، هر گونه شبهه در عدم مشروعیت، مجعولیت و غاصبانه بودن این رژیم را که از ابتدای اقداماتش، مرتکب نقض قواعد بین‌المللی شده است، مرتفع می‌سازد.

عمده‌ترین تلاش‌های سازمان ملل در محکومیت اقدامات متجاوزانه اسرائیل، در پرتو قطعنامه‌های شورای امنیت^{۵۲} خلاصه می‌شود که البته این اسناد نیز فاقد ضمانت‌اجرای لازم جهت همگام‌سازی دولت‌های عضو در محکوم کردن اسرائیل و حمایت از حقوق حقه ملت فلسطین به موجب اسناد بین‌المللی مصوب همان دولت‌ها هستند.

افزون بر قطعنامه‌های شورای امنیت، سازمان یونسکو نیز از دیگر نهادهای بین‌المللی پیگیر در قضیه فلسطین است که از برجسته‌ترین اقدامات این سازمان، تصمیم اخیر آن پیرامون اشغالگرانه خواندن رژیم اسرائیل، غیرقانونی بودن اقدامات این رژیم در راستای تغییر بافت فرهنگی، جمعیتی و تاریخی بیت‌المقدس، تقاضای توقف حصر غزه و در نهایت، معرفی حرم حضرت ابراهیم (ع) در بخش قدیمی شهر الخلیل به عنوان میراث جهانی فلسطینی است.^{۵۳}



بنا بر آنچه گذشت، از یک سو در پرتو قطعنامه‌های مجمع عمومی، ضرورت شناسایی ملت فلسطین به مثابه یک گروه مردمی به انقیاد درآمده با خصوصیات مشترکی که به دنبال تعیین حکومت دلخواه خود هستند، به عنوان مقدمه لازم در اثبات مشروعیت آنان در توسل به حق تعیین سرنوشت، محقق گردید و از سوی دیگر، آشکار شد که عدم مشروعیت اسرائیل به جهت مسبوق بودن اقداماتش به نقض قواعد عام حقوق بین‌الملل از جمله توسل به زور، امری است غیر قابل انکار، که اثبات آن در پرتو اسناد بین‌المللی مربوطه به ترتیبی که گذشت، محقق گردید.

نتیجه‌گیری

نظر به اسناد بین‌المللی معترف به حقانیت ملت فلسطین در توسل به دو حق «بازگشت» و «تعیین سرنوشت» به عنوان یک سرزمین اشغالی و یک ملت به انقیاد درآمده توسط اسرائیل و نیز عدم مشروعیت بین‌المللی رژیم اسرائیل به عنوان یک «دولت» از رهگذر مسبوق بودن اقدامات این رژیم به نقض اصول و قواعد عام بین‌المللی در کسب «سرزمین»، تنها راه‌حل ممکن با توجه به وضعیت کنونی فلسطین، اعمال فوری حق مسلم فلسطینیان در بازگشت از سراسر جهان به وطن اصلی خویش و پیرو آن، تعیین حکومت دلخواه خود از رهگذر «برگزاری همه‌پرسی» در پرتو اعمال حق تعیین سرنوشت و در نهایت، تعیین تکلیف ساکنان غیر بومی آن توسط صاحبان اصلی این سرزمین است. با این حال، روشن است همانطور که حمایت دولت‌های غربی از رژیم صهیونیستی، نقش به‌سزایی در بی‌پروایی این رژیم برای نقض اصول و قواعد حقوق بین‌الملل و پیشبرد اهداف نامشروع آنان داشته است، غلبه بر رژیم اشغالگر اسرائیل و تحقق هدف نهایی یعنی تشکیل کشور مستقل فلسطین نیز بدون وحدت میان مسلمانان حقجو و عدالت‌خواه و نیز حمایت دولت‌های آزادی‌طلب در چارچوب اقداماتی نظیر قطعنامه یونسکو مبنی بر نفی هر گونه حق تاریخی یهودیان در قدس و تأکید بر ماهیت اشغالگرانه این رژیم، با مسیر دشواری مواجه خواهد بود؛ چراکه به گواه تاریخ، اگرچه وجود اسناد بین‌المللی متضمن حقوق فلسطینیان از یک سو و قطعیت ساختگی بودن این رژیم از سوی دیگر، جهت تحقق هدف نهایی یعنی آزادی قدس شریف و تشکیل کشور مستقل فلسطین، لازم است، اما بدون شک، کافی نخواهد بود.

پانویس

1. <http://www.irna.ir/fa/News/82269216>, last visited: 2018.4.11
2. <https://www.hrw.org/world-report/2018/country-chapters/israel/palestine>, last visited: 2018-04-26
3. <https://reliefweb.int/report/occupied-palestinian-territory/humanitarian-bulletin-occupied-palestinian-territory-march-1>, last visited: 2018.4.9.
4. <https://www.psnews.ps/post/9678>, last visited: 2018-04-26



5. http://unctad.org/meetings/en/SessionalDocuments/tdb62d3_en.pdf, last visited: 2018.3.1
- 6 . <https://www.psnews.ps/post/9678>, last visited: 2018-04-26
- 7 . Also See: “Gazah Ten Years Later”, United Nations Country Team in the Occupied Palestinian Territory, 2017.
8. <https://paltoday.ps/ar/post/308658/> last visited: 2018-04-27
- 9 Also See: <https://reliefweb.int/report/occupied-palestinian-territory/humanitarian-bulletin-occupied-palestinian-territory-march-1>, last visited: 2018.4.9.
- 10 Basic Principles on the Use of Force and Firearms for Law Enforcement Officials (1990)
- 11 . the Forth Geneva Convention (1949)

۱۲ نقض مواد ۲۷، ۳۱، ۳۲ و ۱۴۷

۱۳ . نقض مواد ۳۳ و ۵۳ و نقض ماده ۵۰ از ضمیمه کنوانسیون شماره ۴ سال ۱۹۰۷ لاهه

۱۴ . نقض ماده ۳۹

۱۵ . نقض مواد ۴۹ و ۵۳

۱۶ . نقض ماده ۷۶

۱۷ . نقض مواد ۷۸ و ۴۹

۱۸ . نقض ماده ۵۵

۱۹ . نقض ماده ۴۹

۲۰ . نقض ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و ماده ۴۸ و ۵۱ پروتکل اول الحاقی و ماده ۱۴ پروتکل دوم

21 . See Annual Report of United Nation High Commissioner on International Human Rights and Humanitarian Law in Palestine, available at: <https://www.ohchr.org>, last visited: 2018.6.29.

۲۲ . اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مؤید حق بازگشت عبارت‌اند از: ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۵ کنوانسیون لغو کلیه اشکال تبعیض نژادی، مواد ۲ و ۳ پروتکل چهارم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۲۲ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، ماده ۱۲ منشور



آفریقایی حقوق بشر و مردم و کنوانسیون چهارم ژنو.

23 . Cennet Bernadette

۲۴ . نیز نک. به: همان، صص. ۷۳-۷۹

۲۵ . دیگر اسناد مجمع عمومی پیرامون پیوند میان دو حق بازگشت و تعیین سرنوشت عبارت‌اند از: قطعنامه ۴۰/۳۲ الف (۱۹۷۷)، ۳۳/۲۸ الف (۱۹۷۸)، ۳۴/۶۵ الف (۱۹۷۹)، ۳۵/۱۶۹ الف (۱۹۸۰)، ۳۶/۱۲۰ الف (۱۹۸۱)، دو قطعنامه به شماره ۳۷/۸۶ الف (۱۹۸۲)، ۳۸/۵۸ الف (۱۹۸۳)، ۳۹/۴۹ الف (۱۹۸۴)، ۴۰/۹۶ الف (۱۹۸۵)، ۴۱/۴۳ الف (۱۹۸۶)، ۴۲/۶۶ الف (۱۹۸۷)، ۴۳/۱۷۶ الف (۱۹۸۸)، ۴۳/۱۷۷ الف (۱۹۸۸)، ۴۴/۴۱ الف (۱۹۸۹)، ۴۴/۴۲ الف (۱۹۸۹)، ۴۵/۶۷ الف (۱۹۹۰)، ۴۶/۷۴ الف (۱۹۹۱)، ۴۷/۶۴ الف (۱۹۹۲)، ۴۸/۱۵۸ الف (۱۹۹۳)، ۴۹/۶۲ الف (۱۹۹۴) و اقدامات کمیته‌پیگیری اعمال حقوق خدشه‌ناپذیر ملت فلسطین که پیرو قطعنامه ۳۳۷۶ (۱۹۷۵) تشکیل شد.

26 . <http://fa.alalam.ir/news/46035/> last visited: 2018.3.9.

۲۷ . به دنبال مصادره هزاران هکتار از زمین‌های فلسطینیان در منطقه الجلیل توسط مقامات اسرائیلی در ۳۰ مارس ۱۹۷۶ و اعتراضات گسترده فلسطینیان به این تجاوزطلبی‌ها، این رویداد به عنوان "روز زمین" در تاریخ فلسطین ثبت گردید.

28 . <https://www.smh.com.au/world/middle-east/hamas-islamic-jihad-in-ceasefire-with-israel-in-gaza-strip-20180715-p4zrkh.html>, last visited: 2018.7.17.

29 . <https://aa.com.tr/fa/1106184>, last visited: 2018.4.4.

30. <https://reliefweb.int/report/occupied-palestinian-territory/humanitarian-bulletin-occupied-palestinian-territory-march-1>, last visited: 2018.4.9; Also see: <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/G18/137/36/PDF/G1813736.pdf?OpenElement>, last visited: 2018.7.15.

31 . <https://aa.com.tr/fa/1106184>, last visited: 2018.4.9

32. <http://www.irna.ir/fa/News/82879963>, last visited: 2018.4.11; Also See: <http://fa.alalam.ir/news/3478566/>, last visited: 2018.7.15.

۳۳ . قطعنامه ۱۵۱۴، قطعنامه ۲۵۲۶، ماده ۱ مشترک میثاقین و نیز تأکید اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل، به برخورداری مردمان تحت انقیاد بیگانه از حق تعیین سرنوشت در:



Year Book of the International Law Commission, Vol II, part II, p. 64, para. 266

34. The United Nations General Assembly Resolution 2535 (1969)

35. General Assembly Resolution 2649 (1970)

36. Also See: G.A. Res. 2672 ,1970; G.A. Res. 2787, 1971; G.A. Res. 2792, 1971; G.A. Res. 2963, 1972; G.A. Res. 3236, 1974

37. M. Chemillier-Gendreao, "Droit International Positif et Protection d'n peupel conter l'annexion" in, Cristsllisation de la conscience national, les territories occupies par Israel depuis 1967 (Paris: cahiers du GREMAMO, groupe de recherches sur le Maghreb et le Moyen-Orient, No. 8,1990), pp. 131-146

38. The United Nations Partition Plan (1949)

39. Peaceful and Uninterrupted Sovereignty

40. Expulsion

41. Free Choice

42. A Joint Irgun-Stern Gang

43 . Deir Yassin

44 . See: Abu-Sitta, Salman H., "The feasibility of the Right of Return", ICJ and CIMEL paper, 1997

45. Davis, Uri, Zeb Books, "the Establishment of the State of Israel as a Jewish State", London and New Jersey, 1987, p. 4

46. Quity, Mazin, United Nations Internal Meeting on the Converting of the Conference on Measures to Enforce the forth Geneva Convention in the Occupied Palestinian Territory include Jerusalem, Cairo, New York, United Nations, 1999

47. Extinctive Prescription

48 . Effective Occupation

۴۹ . سابقه طرح این اصل، تحت عنوان "دکترین استیمسون" (Stimson Doctrine) به سال ۱۹۳۱



پیرو تشکیل کشور مانچوکو بازمی‌گردد که "استیمسون" وزیر خارجه ایالت متحده آمریکا با ارسال یادداشتی، عدم تمایل کشور خود را مبنی بر شناسایی این دولت جدید که در نتیجه‌ی توسل به زور و تجاوز تشکیل شده بود، اعلام کرد. همچنین جامعه ملل با تصویب قطعنامه‌ای اعضا را موظف نمود تا از شناسایی وضعیت یا معاهداتی که خلاف میثاق یا معاهده منع توسل به زور است، خودداری نمایند. در ۱۹۳۳ نیز مجمع عمومی با تصویب قطعنامه‌ای اعلام کرد که اعضای جامعه ملل، دولت جدید مانچوکو را به هیچ صورت به رسمیت نخواهند شناخت چراکه این خطه همواره بخشی از خاک چین است.

50. General Assembly Resolution 2131 (1965), Declaration on Inadmissibility of Intervention in the Domestic Affairs of States and Protection of their Independence and Sovereignty

51. General Assembly Resolution 3314 (1974), United Nations Definition of Aggression

52. Security Council Resolution 298 (1971); Security Council Resolution 478 (1980).

53. <http://unesdoc.unesco.org/images/0024/002481/248139e.pdf>, last visited: 2018.10.3.

منابع

فارسی

- باباچی، رمضان؛ شمیلیه ژاندرو، مونیک؛ دلا پرادل، ژرو، *حق بازگشت فلسطینان و اصول*

تحقق آن، ترجمه: مقدس، محمد، شهر دانش، ۱۳۸۲

- امین‌زاده، الهام، "حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی در فلسطین"، *مجله مجتمع*

آموزشی عالی قم، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۳۸۱

English

- Davis, Uri, Zeb Books, "the Establishment of the State of Israel as a Jewish State", London and New Jersey, 1987.

- Jansson, Eva-Lena, "the Humanitarian Crisis in Gaza", Committee on



Migration, Refugees and Displaced Persons, 2015

_ John A. Collins, “Self-Determination in International Law: Palestine”,
Case Western Reserve Journal of International Law, volume 12, Issue 1,
1980

Documents

_ Abu-Sitta, Salman H., “The feasibility of the Right of Return”, ICJ and
CIMEL paper, 1997

_ African Charter on Human and Peoples Rights (1981)

_ American Convention on Human Rights (1969)

_ Annex of Hague Convention (1907)

_ Basic Principles on the Use of Force and Firearms for Law Enforcement
Officials (1990)

_ Forth Geneva Convention (1949)

_ “Gazah Ten Years Later”, United Nations Country Team in the Occupied
Palestinian Territory, 2017

_ General Assembly Res.1948) 194)

_ General Assembly Res. 1514 (1960)

_ General Assembly Res1965) 2131 .)

_ General Assembly Res2535 . B (1969)

_ General Assembly Res1970) 2649 .)

_ General Assembly Res. 2672 (1970)

_ General Assembly. Res. 2526 (1970)

_ General Assembly. Res. 2787 (1971)

_ General Assembly Res. 2792 (1971)

_ General Assembly Res. 2963 (1972)



- General Assembly Res. 3089 D (1973)
- General Assembly Res. 3236 (1974)
- General Assembly Res.1965) 2131)
- General Assembly Res. 3314 (1974)
- General Assembly Res. 40/32 A (1977)
- General Assembly Res. 33/28 A (1978)
- General Assembly Res.34/65 A (1979)
- General Assembly Res. 35/169 A (1980)
- General Assembly Res. 36/120 A (1981)
- General Assembly Res. 38/58 A (1983)
- General Assembly Res. 40/96 A (1985)
- General Assembly Res. 39/49 (1984)
- General Assembly Res. 41/43 (1986)
- General Assembly Res. 42/66 (1987)
- General Assembly Res. 43/176 (1988)
- General Assembly Res. 43/177 (1988)
- General Assembly Res.44/41 A (1989)
- General Assembly Res.1989) 44/42)
- General Assembly Res.45/67 A (1990)
- General Assembly Res.46/74 A (1991)
- General Assembly Res.1992) 47/64)
- General Assembly Res.1993) 48/158)
- General Assembly Res.1994) 49/62)
- International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination1969))



- _ International Covenant on Civil and Political Rights (1966)
- _ International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (1966)
- _ Protocols I and II additional to the Geneva Conventions (1977)
- _ Protocol No. 4 to the European Convention on Human Rights (1953)
- _ Qupty, Mazin, United Nations Internal Meeting on the Converting of the Conference on Measures to Enforce the forth Geneva Convention in the Occupied Palestinian Territory include Jerusalem, Cairo, New York, United Nations)1999(
- _ Security Council Resolution 298 (1971)
- _ Security Council Resolution 478 (1980)
- _ The United Nations Partition Plan (1949)
- _ Universal Declaration of Human Right
- _ Year Book of the International Law Commission, General Assembly Res. 41/43, Vol II, part II, p. 64, para. 266

Sites



- _ <https://aa.com.tr/fa/1106184>, last visited: 2018.4.4.
- _ <http://fa.alalam.ir/news/46035/> last visited: 2018.3.9.
- _ <https://hrw.org/world-report/2018/country-chapters/israel/palestine>, last visited: 2018.04.26
- _ <http://irna.ir/fa/News/82269216>, last visited: 2018.4.11
- _ <https://reliefweb.int/report/occupied-palestinian-territory/humanitarian-bulletin-occupied-palestinian-territory-march-1>, last visited: 2018.4.9
- _ <https://www.psnews.ps/post/9678>, last visited: 2018-04-6
- _ http://unctad.org/meetings/en/SessionalDocuments/tdb62d3_en.pdf, last

visited:2018.3.1

- <https://paltoday.ps/ar/post/308658/>, last visited: 2018-04-27.

- <http://www.irna.ir/fa/News/82490028>, last visited: 2018.4.11

- <http://www.irna.ir/fa/News/82879963>, last visited: 2018.4.11.

- <http://unesdoc.unesco.org/images/0024/002481/248139e.pdf>, last visited: 2018.10.3.

- <https://www.ohchr.org>, last visited: 2018.6.29

- <https://www.smh.com.au/world/middle-east/hamas-islamic-jihad-in-ceasefire-with-israel-in-gaza-strip-20180715-p4zrkh.html>, last visited: 2018.7.17.

<https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/G18/137/36/PDF/G1813736.pdf?OpenElement>, last visited: 2018.7.15.

